

اخبار حوادث

جزئیات حمله مسلحانه دوستان زندانی به بیمارستان

معاون دادستان قم ضمن ارائه توضیحاتی درباره ماجرای فرار یک زندانی از یک مرکز روان درمانی در قم، گفت: زندانی پس از متواری شدن و بعد از ۸ ساعت در استان های همجوار دستگیر شد. علی اصغر سلطانی در رابطه با خبر تیراندازی در بیمارستانی در قم اظهار کرد: این حادثه در مرکز نگهداری بیماران روانی صورت گرفته و فردی که قصد متواری کردن وی را داشته اند محکوم به سرقت های مقرون به آزار بوده که به تشخیص روانپزشک بیمارستانی که از سوی زندان در آنجا بستری شده به این مرکز روان درمانی برای بستری شدن مراجعه کرده است. وی افزود: خود زندانی پس از متواری شدن و بعد از ۸ ساعت در استان های همجوار دستگیر و سلاح نیز از وی کشف می شود. معاون دادستان قم با بیان اینکه اسلحه توسط یکی از همدستان متهم وارد مرکز درمانی شده است، خاطرنشان کرد: همدستان وی نیز دستگیر شده اند و همسر این فرد نیز تحت تعقیب قرار دارد. سلطانی گفت: برای محکوم علیه که این اقدام را مرتکب شده در مرکز استان قم پرونده محاربه و قضایی تشکیل شده و در کمتر از ۸ ساعت ۳ نفر همدست وی نیز دستگیر شدند. وی یادآور شد: این فرد سلاح را صرفاً برای تهدید و فرار کردن به همراه داشته و قصد تیراندازی به سمت کسی را نداشته است و چون قصد متواری شدن داشته به سمت هر کسی که سر راه او قرار گرفته است شلیک کرده که اگر مانع فرار وی نمی شدند شلیک نمی کرد. معاون دادستان قم مرکز روان درمانی متواری شود و به سمت سربازانی که مانع فرار وی شده اند شلیک کرده و سربازانی که مورد اصابت قرار گرفتند مراقبین وی بودند که آسیب جدی دیده اند و حاشان نیز خوب است. سلطانی در ادامه گفت: فرمانده یگان حفاظت زندان نیز به دلیل قصوری که مرتکب شده با دستور قضایی در بازداشت می باشد. وی خاطرنشان کرد: این فرد زندانی بوده جزء اراذل و اوباشی که در شهر قدم علم کنند نبوده و تحت الحفظ مأمورین در این مرکز بستری شده است.



حمله خونین خرس وحشی به مردی در مردودشت

روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی شهرستان مردودشت از توابع استان فارس اعلام کرد: یک خرس وحشی، جمعه به فردی در کوه های اطراف شهر ک ابرج این شهرستان حمله و او را زخمی کرد. مهران غلامی سرپرست این مرکز اظهار کرد: این حادثه صبح جمعه چهارم آبان ۹۷ رخ داد و طی تماس تلفنی با مرکز پیام مردودشت خبر حمله خرس وحشی به یک نفر در کوه تنگه کردون شهر ک ابرج شهرستان مردودشت دریافت شد. وی اضافه کرد :بافاصله یک دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شد ولی به علت اینکه محل سخت گذر بود و امکان خدمت رسانی به کندی انجام می شد، طبق هماهنگی های لازم باالگرد اورژانس فارس به محل حادثه اعزام شد و مصدوم حادثه را به بیمارستان شهیدر جایی شیراز انتقال داد. غلامی گفت: گزارش های اولیه حاکی است این مصدوم در بیمارستان شهیدر جایی تحت مداوا قرار دارد.



بازداشت قاتل فراری در ایلام

رئیس پلیس آگاهی استان ایلام گفت: فردی که در شهرستان ایلام مرتکب قتل شده و از صحنه جرم متواری شده بود از سوی پلیس آگاهی این استان دستگیر شد. سرهنگ علی مهری اظهار داشت: فردی که به قصد سرقت وارد منزل یکی از شهروندان ایلامی شده بود و پس از مقاومت همسر صاحب خانه او را به قتل رسانده و متواری شده بود. وی افزود: با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی شناسایی و دستگیر شد و پس از اعتراف به قتل جهت مسیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.



دزدان صرافی گرگان در دام پلیس

رئیس پلیس آگاهی استان گلستان از دستگیری دو متهم دیگر سرقت صرافی گرگان خبر داد. سرهنگ «هجینی مروتی» در جمع خبرنگاران اظهار کرد: ۱۶ مهر امسال سارقین از یک صرافی در خیابان ولی عصر گرگان حدود یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان ارزش و سکه را به سرقت بردند. آن هاشب پیش از سرقت شاگرد این صرافی را ربوده و کیدو رمز را گاو صندوق را بدست آورده بودند. وی افزود: با اقدامات صورت گرفته ۲ متهم اول این پرونده ۲۵ مهر ماه از سوی نیروهای پلیس آگاهی استان گلستان دستگیر شدند.

علت طلاق؟

باهم اختلاف داشتند و بعد از جدایی من یک روز پیش پدرم بودم و یک روز پیش مادرم و این در حالی بود که هیچ اهمیتی به من نمی دادند و تصمیم گرفتم یک خانه اجاره کنم و به تنهایی زندگی کنم که این پیشنهاد با استقبال پدر و مادرم روبرو شد.

همدستان هم تنها زندگی می کنند؟

آنها هم مثل من پدر و مادرشان از هم جدا شدند و در میهمانی های شبانه با هم آشنا شدیم و در این مدت آنها نیز بیشتر اوقات در خانه من بودند و گاهی اوقات به خانه پدر و مادرشان می رفتند.

در گذشته با خودروی لوکس رانندگی کرده بودی؟

بله، پدرم خودروی لوکس داشت و گاهی اوقات با خودروی پدرم به دانشگاه می رفتم.

فکر نمی کردی دستگیر شوی؟

نه، چون قرار بسود خودروها برای چند روز دستمان باشد و خیلی زود آنها را تغییر دهیم.

خودروی توسان را کجا پنهان کردیدی؟

در پارکینگ خانه پدر شقایق پنهان کردیم.

چرا از پدرت نخواستی تا برایت خودرو بخرد؟

پدرم سرش به زندگی خودش گرم است و کاری به من ندارد و فقط هر ماه به حسابم پول می ریزد که اجاره خانه بدهم و هزینه های زندگی را بپردازم.

اعتیاد داری؟

نه، ولی گاهی اوقات با دوستانم گل می کشیم.

چطور نقشه سرقت به ذهنت رسید؟

خوب چندبار که با دوستانم در خیابان بودیم چند جوان پیشنهاد دادند تا سوار بر خودرویشان شویم به همین خاطر این نقشه به ذهنمان رسید که مردان هوسران را ادب کنیم و خودمان نیز به رویایمان برسیم.

بنابه این گزارش، ۳ دختر جوان پس از اعتراف به سرقت هایشان برای تحقیقات بیشتر در اختیار مقام قضایی قرار گرفته اند.

ایتیمیا بود را در خیابان صالحی تحت نظر قرار دادند تا اینکه با اقدامات فنی و از حضور یک خانه مجردی که ۳ دختر جوان در آن زندگی می کنند اطلاع پیدا کردند.

همین کافی بود تا ماموران پس از هماهنگی با مقام قضایی عملیات دستگیری را آغاز کنند و صبح شنبه ۵ مهر ماه ۳ دختر جوان در خانه شان دستگیر شدند.

مرجان و دوستانش ابتدا خود را بیگناه می دانستند اما وقتی در برابر صاحب خودروی ایتیمیا و توسان قرار گرفتند به ناچار لب به سخن باز کردند.

مرجان رییس باند به ماموران گفت: ما تنها برای خوشگذرانی و تفریح دست به این سرقت ها زدیم و هیچ نقشه ای برای پولدار شدن نداشتیم و در این مدت فکر نمی کردیم دستگیر شویم.

گفت و گو با رییس باند

مرجان با چهره ای خونسرد اما بهت زده از اینکه باید به زندان برود ادا می کند که عامل همه بدبختی های زندگی ام پدر و مادرم بودند که تنها به فکر خودشان بوده و برای آرامش و راحتی خودشان مرا تنها گذاشتند.

سابقه داری؟

نه، اولین بار است که دستگیر شدم.

چرا دزدی؟

به خاطر اینکه وقتی پیش دوستان پولدار مان می رویم با بسیاری تفریح به شبگردی های خیابانی می رویم خودروی لوکس نداشتیم به همین خاطر دست به سرقت زدیم.

یعنی قصد فروش یا اوراق کردن خودروها را نداشتی؟

ما این کاره نبودیم که بخوایم برای پول سرقت کنیم و تنها می خواستیم وقتی به دور دور یا میهمانی می رویم با خودروهای شیک باشیم.

چرا بعد از اولین سرقت، خودروی دیگری سرقت کردی؟

ما ۳ نفر بودیم و قصد داشتیم هر کدام یک خودروی لوکس داشته باشیم و بعد از مدتی آنها را در خیابان رها کنیم و به همان شیوه خودروهای دیگری سرقت کنیم تا دستگیر نشویم اما خیلی زود دستگیر شدیم.

تنها زندگی می کنی؟

بله، پدر و مادرم از هم طلاق گرفتند و منم تنها گذاشتند.

اثری از ۳ دختر جوان و خودرویش نبود.

پسر جوان تازه متوجه شد که ۳ دختر جوان سارقان فریبکاری بودند که با نقشه از قبل طراحی شده دست به سرقت خودرویش زدند.

ایمان با پلیس تماس گرفت و ماجرای سرقت خودروی لوکسش را به پلیس مخابره کرد و در ادامه از دوستانش خواست تا به دنبالش بروند و او را تا خانه برسانند.

دومین سرقت

روز دوشنبه ۳۰ مهر ماه خودروی توسان سفید رنگ در شمال تهران وقتی در برابر ۳ دختر جوان قرار گرفت برای خوشگذرانی آنها را سوار بر خودرویشان کرد اما نمی دانست این ۳ دختر نقشه سرقت خودرویش را کشیده و هیچ خبری از خوشگذرانی نیست.

مرجان در این سناریو نیز از مرد جوان خواست برایش سیگار بخرد که در این صحنه نیز وقتی صاحب خودروی توسان از مغازه سوپرمارکت خارج شد دید که خودرویش به سرقت رفته است.

خودروی سرقتی

روز پنج شنبه ۲ آبان ماه سال جاری تیمی از ماموران کلاتری ۱۵۸ کیان شهر در حال گشت زنی در خیابان صالحی بودند که به خودروی ایتیمیا سفید رنگی که در کنار خیابان توقف کرده بود مشکوک شدند و در بررسی شماره پلاک خودروی لوکس متوجه شدند که چند روز قبل این خودرو در خیابان شریعتی به سرقت رفته است.

ماموران در ادامه به بررسی خودروی ایتیمیا پرداختند و مدارک خودروی توسان را که چندی قبل به سرقت رفته بود را کشف کردند و در ادامه ماموران صاحب ۲ خودرو را به کلاتری احضار کردند.

راننده خودروی ایتیمیا وقتی در برابر ماموران قرار گرفت ادعا کرد که خودرویش از سوی ۳ دختر جوان به سرقت رفته و این در حالی بود که راننده توسان نیز ادعاهای مشابهی در مورد شیوه سرقت خودرویش مطرح کرد.

دستگیری ۳ دختر جوان

ماموران در ادامه خانه هایی را که در نزدیکی محل پارک کردن خودروی

این دختران پسران هوسران را به دام می کشیدند

راز ماشین های لوکس ۳ دختر تهرانی در پارتی های شبانه



پس از پیاده شدن از خودرو در کنار خیابان منتظر ماندند تا اینکه پسر جوانی سوار بر خودروی ایتیمیا در جلوی پسای آنها توقف کرد و به آنها پیشنهاد داد تا شام را با هم در یک رستوران باشند.

مرجان که جلوتر از دوستانش در کنار خودرو با پسر جوان صحبت می کرد از دوستانش خواست تا سوار بر خودروی لوکس پسر جوان شوند.

مرجان در صندلی جلونشست و دوستانش در صندلی عقب بودند و همگی شروع به صحبت کردند و پسر جوان که نمی دانست چه نقشه ای در انتظارش است به دوستان دیگرش تماس گرفت تا آنها هم برای خوردن

شام به رستوران همیشگی بروند تا همه دور هم خوشگذرانی کنند.

خودرو ایتیمیا در مسیر بود که ناگهان در مرجان از پسر جوان خواست از داخل سوپرمارکت برای او سیگار بخرد. ایمان با اعتماد به ۳ دختر جوان

در کنار خیابان توقف کرد و به داخل سوپرمارکت رفت و یک بسته سیگار خرید اما وقتی از مغازه خارج شد هیچ

برای سوار شدن بر خودروهای لوکس پیدا کنند.

نقشه عجیب

آخرین روزهای مهر ماه سال جاری بود که ۳ دختر جوان و تنها در خانه

مجردی شان دور میز نشسته بودند و به دنبال راه حلی برای به دست آوردن خودروهای لوکس بودند همه این نقشه ها به خاطر این بود که وقتی در میهمانی ها شرکت می کنند

همچون دختران و پسران پولدار سوار بر خودروهای لوکس باشند و از آنها عقب نمانند. مرجان در میان همه نقشه هایی که طراحی می کردند یک

سناریوی حرفه ای را برای رسیدن به رویاهایشان طراحی کرد. میتر اوشقایق ابتدا برای اجرای نقشه شان کمی ترس داشتند اما وقتی دیدند خیلی زود به

خواسته شان می رسند تصمیم گرفتند همگی در این طرح حضور داشته باشند تا کسی به آنها شک نکند.

نخستین سرقت

عصر شنبه ۲۸ مهر ماه سال جاری ۳ دختر جوان سوار بر خودروی تاکسی اینترنتی به خیابان شریعتی رفتند و

گروه حوادث: ۳ دختر جوان برای رسیدن به رویای سوار شدن بر خودروی لوکس نقشه عجیبی را طراحی کردند که در آن مردان هوسران را هم ادب کنند.

میهمانی های شبانه

مرجان ۲۰ ساله که مدتی از جدایی پدر و مادرش می گذرد با شرکت در میهمانی های شبانه و دوست شدن با ۲ دختر جوان دیگر که شرایط زندگی شان مثل خودش بود تصمیم گرفت زندگی جدیدی را برای خودش آغاز کند.

خانه مجردی

دختر جوان در جنوب شهر شان خانه ای برای زندگی جدیدش اجاره کرد و بعد از مدتی ۲ دختر دیگر که شقایق و میترانام دارند تصمیم گرفتند همراه مرجان در خانه اش زندگی کنند. متیرا ۱۸ ساله و شقایق ۲۰ ساله

با توجه به دوستانی که در اکپ های مختلف داشتند در میهمانی و دورهمی های زیادی شرکت می کردند اما حضور در خانه های لوکس و دیدن زندگی شیک آنها را به فکر برد تا راهی

خبر

قاتل اعدام نمی شود

گذشت از خونخواهی عامل جنایت ناخواسته

بازداشت قاتل

کارآگاهان وقتی دیدند قاتل با چهره ای برافروخته و گریان در صحنه قتل ایستاده و فرار نکرده است با دستور باز پرس ویژه قتل او را دستگیر کردند. همزمان با این دستگیری شاهدان قتل نیز در همان صحنه تحت بازجویی گرفته شده و همه گفتند که دیده اند صاحبخانه

مرد مستاجر را بعد از مشاجره لفظی به قتل رسانده است.

اعتراف

نیمه بعد از بازداشت در حالیکه از همان ابتدا گریه کرده و ابراز پشیمانی می کرد قتل ناخواسته مستاجرش را به گردن گرفت و انگیزه اش را بدحسابی مقتول دانست.

کیفر خواست

با این اعترافات و پس از اظهار نظر پزشکی قانونی و بازسازی صحنه قتل باز پرس پرونده قرار مجرمیت نیما را به اتهام قتل عمد مجرم صادر کرد و نماینده دادستان به صدور کیفرخواست دست زد.

گذشت از خونخواهی

پرونده این جنایت برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و دستور کار هیئت قضایی قرار گرفت. در حالیکه نیما با توجه به اتهامش در برابر

بازداشت قاتل

کارآگاهان وقتی دیدند قاتل با چهره ای برافروخته و گریان در صحنه قتل ایستاده و فرار نکرده است با دستور باز پرس ویژه قتل او را دستگیر کردند. همزمان با این دستگیری شاهدان قتل نیز در همان صحنه تحت بازجویی گرفته شده و همه گفتند که دیده اند صاحبخانه

مرد مستاجر را بعد از مشاجره لفظی به قتل رسانده است.

اعتراف

نیمه بعد از بازداشت در حالیکه از همان ابتدا گریه کرده و ابراز پشیمانی می کرد قتل ناخواسته مستاجرش را به گردن گرفت و انگیزه اش را بدحسابی مقتول دانست.

کیفر خواست

با این اعترافات و پس از اظهار نظر پزشکی قانونی و بازسازی صحنه قتل باز پرس پرونده قرار مجرمیت نیما را به اتهام قتل عمد مجرم صادر کرد و نماینده دادستان به صدور کیفرخواست دست زد.

گذشت از خونخواهی

پرونده این جنایت برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و دستور کار هیئت قضایی قرار گرفت. در حالیکه نیما با توجه به اتهامش در برابر



دو خانواده خود و خانواده مقتول می دانست با صدای گرفته ای گفت: یک سال قبل از وقوع حادثه خانه ام را به جابر اجاره دادم هیچ مشکلی در مدتی که تعهد مستاجری داشتم اما ناگهان نداشتیم تا اینکه موعدا اجاره اش به سر رسید من بخاطر مسائل شخصی قصد داشتم قرار دادم را تمدید کنم از این روز جابر خواستم دنبال خانه دیگری باشد و خانه ام را تخلیه کند.

وی افزود: او ابتدا پذیرفت و اصلا فکر نمی کردم مشکلی پیش بیاید مدتی گذشت و دیدم جابر به خواسته ام توجهی نمی کند و خانه را نه تنها تخلیه نکرده بلکه اصلا چنین تصمیمی هم ندارد.

نیمه ادامه داد: من قصد کشتن جابر را نداشتم و راضی به مرگ او هم نبودم. بارها نزدش رفتم و اصرار داشتم خانه را تخلیه کند اما اصلا اعتنایی

نمی کرد تا اینکه روز حادثه برای حرف زدن سر همین موضوع به سرراش رفتم تا او را راضی کنم لوازمش را بردارد و خانه ام را تخلیه کند. من خواسته غیر منطقی ای نداشتم اما ناگهان جابر عصبانی شد و شروع به فحاشی کرد. وقتی دعوایمان بالا گرفت او مرتب نامز آگویی کردم من هم دست به جاقو بردم و ضربه ای زدم که کشته شد. وی در پایان گفت: از اینکه اعدام نمی شوم از خانواده مقتول متشکرم اما از دادگاه می خواهم با توجه به ۴ ساله که در زندان بوده ام و زندگی زن و بچه ام نیز به مخاطره افتاده است بویژه پشیمانی ام از اقدام ناخواسته ای که جان انسانی را گرفته است من را مورد بخشش قانونی قرار داده و حکم به زندانی ام بدهند.

بنابه این گزارش، پس از این دفاعیات هیات قضات وارد شور شدند تا حکم را صادر کنند.